

نگاهی به متون مذهبی علویان - بکتاشیان آناتولی

شهاب ولی*

چکیده:

تاریخ و منشاء اعتقادات و باورهای علویان - بکتاشیان آناتولی، موضوعی است که همواره مورد توجه محققان ملل و نحل قرار گرفته است. برغم پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، هنوز نقاط مبهم بسیاری باقی است. یکی از دلایل عمده این ابهامات، عدم بررسی و پژوهش کافی بر روی متون اعتقادی علویان - بکتاشیان است که بدون شک می‌تواند به عنوان مرجع اصلی و خاستگاه اولیه تاریخ و پیشینه اعتقادی این گروه قرار گیرد. مراجعه به این متون می‌تواند راهگشای بنیادینی باشد برای فهم بهتر باورهای علوی - بکتاشی. هدف این مقاله معرفی کلی متون مذهبی علویان - بکتاشیان است که برغم ارتباط تنگاتنگی که با تشیع و تصوف دارند، کماکان برای بیشتر محققان ایرانی ناشناس باقی مانده‌اند. کلید واژه‌ها: علوی، بکتاشی، تشیع، مناقب نامه، ولایت نامه، تذکره‌های اولیاء آناتولی.

* دکترای رشته ادیان و نظام‌های فکری از مدرسه تنبغات عالی سوربن؛ و مدرس دانشگاه شهید بهشتی.

E-mail: vali.shahab@gmail.com

در مورد منشاء اعتقادات و خاستگاه تاریخی علویان - بکتاشیان آناتولی تحقیقات زیادی، علی الخصوص از طرف محققان ترک، انجام شده است. اگرچه این تحقیقات انجام یافته، اطلاعات کلی و منسجمی در مورد چگونگی اعتقادات، آئین‌ها، سنن، مراسم مذهبی و تاریخ علویان - بکتاشیان به دست می‌دهند، لیکن چنین به نظر می‌آید که این محققان در مورد خاستگاه اصلی عقاید ایشان، که غالباً در متون مذهبی علویان - بکتاشیان به تفصیل بیان شده، دچار چالش شده‌اند. گروهی از محققان بیشتر بر بن مایه‌های غیر اسلامی باورهای علویان - بکتاشیان تکیه کرده‌اند و در نتیجه ایشان را در زمره نحلّه‌های غیر اسلامی و گاه کزآئین به حساب آورده‌اند. گروهی دیگر ایشان را در زمره شیعیان به شمار آورده‌اند.

نظریات مطرح شده از طرف این دسته از محققان در مورد منشاء اعتقادات علویان - بکتاشیان، گاه صورت متناقض به خود می‌گیرد. برای مثال عبدالباقی گولپینارلی، محقق نامدار ترک، معتقد بود که علویان - بکتاشیان در زمره نحلّه‌های باطنی می‌باشند که هیچ ارتباطی با تشیع امامیه (جعفری) ندارند.¹ در همین راستا، این گروه محققان به کنکاش در ریشه‌های تاریخی و اعتقادی علویان - بکتاشیان در میان باورهای دیگر، علی الخصوص اعتقادات ترکان پیش از اسلام پرداخته‌اند. طبق این نظریه، «مناقب نامه» ها و «ولایت نامه» ها، که ساختار اصلی متون مذهبی علویان - بکتاشیان را تشکیل می‌دهند، در زمره آثاری هستند که پس از اسلام آوردن ترک‌ها و تحت تأثیر آئین جدید، به صورت حماسه، داستان و افسانه‌هایی که مربوط به باورهای پیش از اسلام هستند، به وجود آمده‌اند.² در نتیجه، برای تحقیق در این اعتقادات، باید به آئین‌های ترکان پیش از اسلام، که بیشتر مبتنی بر باورهای شمنی بوده است، توجه کرد. این گروه محققان تأثیر اعتقادات خاور دور، ادیان ایران پیش از اسلام و تأثیرات کتاب مقدس را نیز بر اعتقادات علویان - بکتاشیان مد نظر داشته‌اند.³ با این حال برخی محققان ترک نیز، به این نکته مهم اذعان دارند که آئین

علویان - بکتاشیان آناتولی در روند طولانی تاریخی و سیاسی خود، سنتی است "روائی - مکتوب" و "اسلامی - صوفیانه".⁴ گروه دوم از محققان مورد بحث، علویان - بکتاشیان آناتولی را به عنوان یکی از شاخه‌های تشیع اثنی عشری،⁵ جزو گروه‌های کژ آئین⁶ محسوب می‌کنند.

با مطالعه متون مذهبی علویان - بکتاشیان در راستای پی بردن به اصول اعتقادی ایشان، چنین به نظر می‌رسد که محققان گروه اول، بن مایه‌های اعتقادی این متون را کمتر مورد بررسی و توجه قرار داده‌اند. به دیگر سخن با غور در نوشته‌های این محققان می‌توان دید که بن مایه‌های شیعی اعتقادات و باورهای علویان - بکتاشیان کمتر مورد توجه این محققان واقع شده است، در حالی که علویان - بکتاشیان که بی تردید یکی از مهم‌ترین جریان‌های باطنی - عرفانی موجود در منطقه آناتولی بوده و هستند و از زمان‌های دور در منطقه مذکور دارای موجودیت و نفوذ بوده‌اند، از نظر اعتقادی ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تشیع اثنی عشر دارند.

با نگاهی گذرا به متون مذهبی علویان - بکتاشیان، و با توجه به جایگاه خاصی که برای ائمه دوازده‌گانه - علیهم‌السلام - در آئین‌ها و متون اعتقادی خود قائل می‌باشند⁷ و علی‌الخصوص انتساب آئین‌های خاص ایشان به حضرت امام صادق (ع)،⁸ می‌توان ایشان را از مهم‌ترین شاخه‌های مذهب جعفری به حساب آورد.

در حقیقت حضور دائمی اسامی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اثنی عشر - علیهم‌السلام -⁹ در ادبیات مذهبی علویان - بکتاشیان، چه در آثار شفاهی و چه در متون مکتوب حاضر، به وضوح وابستگی ایشان را به تشیع امامی نشان می‌دهد و در این راستا شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد.

برای مثال تصدی «مقام پیر» که در میان علویان - بکتاشیان مقام ارشاد و رهبری فردی - اجتماعی محسوب می‌شود، فقط و فقط مختص اولاد حضرت امیر المؤمنین (ع) می‌باشد. در حقیقت لازمه لایتغیر امر هدایت در باورهای علویان - بکتاشیان، شرط سیادت است. در این راستا علویان - بکتاشیان به حدیثی نبوی استناد می‌کنند.

در متن «فرمان» منسوب به امام صادق (ع)¹⁰ این حدیث به این صورت بیان شده است که:

رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «خداوند متعال در کلام قدیم خود فرموده که اصالت، اصل است». از آغاز، خرقة، مفتول، ارشاد، توبه، پیر بودن و سجاده به شاه مردان علی (ع) بخشیده شده است. بدین سبب، پیر بودن فردی که فرزند شاه و از اولاد شاه نیست، صحیح نمی‌باشد. پیر بودن شخص در صورتی صحیح می‌باشد که از نسل محمد (ص) و علی (ع) باشد.¹¹

با توجه به چنین اعتقاداتی، به نظر می‌رسد تحقیق و پژوهش در مورد خاستگاه تاریخی و اعتقادی علویان - بکتاشیان را نخست باید در بطن تاریخ و اعتقادات تشیع جست.

سنت مناقب نامه نویسی در مورد «اولیاء»

سنت مناقب¹² نویسی و تذکره¹³ نویسی در مورد اولیاء، از قدیمی‌ترین سنت‌های رایج در میان اهل طریقت می‌باشد. تفاوت اصلی مناقب نامه و تذکره در این است که مناقب نامه به بیان زندگی، شخصیت، مقام روحانی و کرامات یک ولی می‌پردازد؛ در مقابل، تذکره به بیان زندگی، شخصیت، مقام روحانی و کرامات اولیاء مختلف اختصاص دارد.¹⁴ ظاهراً قدیمی‌ترین اثر باقی مانده از این دست آثار، کتاب *اولیاء* تألیف ابن ابی الدنیا، سپس *سیرة الأولیاء* از حکیم ترمذی در قرن سوم است که قدیمی‌ترین متن موجود درباره ولایت در متون صوفیه می‌باشد. از همه این‌ها مشهورتر، کتاب *حلیة الأولیاء* تألیف حافظ ابو نعیم اصفهانی است که از منابع اصلی *تذکرة الأولیاء* عطار نیشابوری نیز می‌باشد.¹⁵ این سنت در دوره‌های بعد نیز توسط دیگر بزرگان طریقت ادامه یافته است. در این راستا، به عنوان مثال می‌توان به آثاری چون «*مناقب الصوفیة*» قطب الدین ابوالمظفر منصور ابن اردشیر سنجی عبادی مروزی (قرن ششم هجری)، «*نفحات الأنس من حضرات القدس*» نورالدین

عبدالرحمن جامی (قرن نهم هجری)، «مجالس العشاق» امیر کمال الدین حسین گازرگاهی (قرن نهم هجری)، «ثمرات القدس من شجرات الأنس» میرزا لعل بیگی لعلی بدخشانی (قرن دهم - یازدهم هجری) «مجالس المؤمنین» قاضی نور الله شوشتری (قرن یازدهم هجری)، «تذکره المحققین» یا «تذکره ریاض العارفين» رضا قلی خان هدایت (قرن سیزدهم هجری)، «سفینه الأولیاء» عثمان زاده حسین وصّاف (قرن چهاردهم هجری) اشاره کرد. وجود آثار مذکور و نگارش آنها در قرون مختلف خود مؤید تداوم سنت مناقب نامه نویسی در میان صوفیان اهل طریقت می باشد.

مناقب نامه های اولیای آناتولی

صوفیان و طریقت‌های آناتولی نیز از قاعده مناقب و تذکره نویسی درباره اولیاء و مشایخ طریقت مستثنی نبوده اند. پس از اسلام آوردن ترک‌ها، سنن رایج در میان نحله‌های مختلف اسلامی، بر ترک‌ها نیز مؤثر بود و پیدایش مناقب نامه‌های اولیاء در میان ترک‌های مسلمان محققاً تحت تأثیر جریان تصوف اسلامی واقع شده است.¹⁶

این مناقب نامه‌ها امروزه به عنوان منابعی تاریخی و طریقتی مورد استفاده محققان قرار می‌گیرند. برای مثال کتاب‌هایی چون رساله سپهسالار در مناقب حضرت خداوندگار اثر فریدون بن احمد سپهسالار (قرن هفتم - هشتم هجری) و مناقب العارفين تألیف شمس الدین احمد الأفلاکی العارفي (قرن هشتم هجری) است که از منابع مهم در مورد مولانا جلال الدین بلخی و سلسله مولویه می‌باشد. ظاهراً قدیمی ترین مناقب نامه‌ای که در میان صوفیان آناتولی به رشته تحریر در آمده است کتاب «مناقب القدسیة فی مناسب الأنسیة» اثر الوان چلبی است که در قرن هشتم هجری نوشته شده است. از نظر بن مایه‌های اعتقادی، این اثر، تأثیری عمیق بر تمام مناقب نامه‌های بکناشی داشته است. مناقب القدسیة فی مناسب الأنسیة به شرح شخصیت و

مقام بابا الیاس خراسانی (قرن هفتم هجری قمری) و خلفای وی می‌پردازد.¹⁷ مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌های موجود را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: مناقب نامه‌ها و ولایت‌نامه‌های بیوگرافیک؛ مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌های مدون. مناقب‌نامه‌ها و ولایت‌نامه‌های بیوگرافیک: آثاری منقبوی هستند که توسط اشخاصی که با اولیاء مذکور در مناقب نامه یا ولایت نامه هم‌عصر بوده یا مدت کوتاهی بعد از وفات این اولیاء، در همان محیط اولیاء می‌زیسته‌اند، به نگارش درآمده‌اند. در این نوع مناقب نامه و یا ولایت نامه‌ها، شخص «ولی» خود می‌تواند در زمان حیات، زندگی خویش را به صورت کرونولوژیک به رشته تحریر درآورد و یا مریدان و دوست‌داران ولی مذکور، بعد از وفات وی، زندگی، کرامات و مقام روحانی او را به رشته تحریر درمی‌آورند. چنین مناقب نامه‌هایی با واقعیت‌های تاریخی نیز مطابقت دارند.

مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌های مدون: آثاری هستند که پس از گذشت مدّت زیادی از رحلت ولی به نگارش درآمده‌اند. این آثار می‌توانند از طرف مریدان و دوست‌داران ولی یا دیگران نوشته شده باشند. در این نوشته‌های متفاوت، به نسبت امکان کشف و دسترسی بدان‌ها، سعی می‌شود که با ایجاد ارتباطات کرونولوژیک در مندرجات آن، متن به صورت یک کلّ درآید. از آنجایی که این نوع مناقب نامه‌ها مدت‌ها پس از رحلت ولی تدوین شده‌اند، نسبت به میزان ارادت نویسنده به ولی مورد نظر اضافاتی در آنها دیده می‌شود. به همین سبب مناقب نامه‌های مدون در قیاس با مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌های بیوگرافیک از نظر تاریخی ضعیف‌تر هستند، هر چند از نظر تاریخی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.¹⁸

در کنار تقسیم بندی فوق، یاشار اجاق، تقسیم بندی دیگری نیز در مورد این مناقب نامه‌ها ارائه می‌کند. تقسیم بندی دوم نیز مناقب نامه‌ها را در دو گروه جای می‌دهد: گروه اول مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌هایی که مبتنی بر حقایق تاریخی می‌باشند؛ بخش عمده مناقب نامه‌های اولیاء مبتنی بر وقایع حقیقی تاریخی می‌باشند.

وقایع مذکور در این نوع مناقب نامه‌ها در زمان و مکان مشخص و معینی به وقوع پیوسته‌اند. لیکن از آنجایی که یکی از اهداف مناقب نامه، عظمت بخشیدن به مقام ولی مذکور در مناقب نامه است، حقایق تاریخی مندرج، حالتی تحریف شده یافته و در پس بن مایه‌های منقبوی مستتر می‌شوند. به رغم این مسأله، تشخیص اطلاعات تاریخی این مناقب نامه‌ها دشوار نمی‌باشد.

گروه دوم: مناقب نامه‌ها و ولایت نامه‌های خیالی: این گروه از مناقب نامه‌ها گذشته از این که از وقایع تاریخی مذکور در نوع اول عاری هستند اما در عین حال بیان‌گر جنبه‌های مختلف اجتماعی و روانشناختی جامعه عصر خود نیز می‌باشند، این گروه مناقب نامه‌ها را می‌توان در چند نوع مورد بررسی قرار داد:

1. مناقب نامه‌هایی که از ارزش‌های اجتماعی جامعه نشأت گرفته‌اند. ولی به منزله نزدیک‌ترین کس به خداوند یکتا، تمثیل ارزش‌های اجتماعی ساختاری است که در آن زندگی می‌کند. این ارزش‌ها به بهترین وجه در شخص ولی امکان تحقق یافته‌اند. در این صورت مناقب نامه‌هایی که در مورد وی به بحث می‌پردازند ماهیت انعکاس این ارزش‌ها را در خود می‌پرورانند؛ و از طریق این ارزش‌ها، در جهانی آرمانی، حول شخصیت ولی، ساخته می‌شوند. این در حقیقت جهانی است که اجتماع در آرزوی آن است. این مناقب نامه‌ها از نظر بررسی‌های جامعه‌شناختی آثاری بسیار سودمند می‌باشند.

2. مناقب نامه‌هایی که بر الهیاتی اخلاقی استوار هستند. برخی از مناقب نامه‌ها برای بیان برخی فضیلت‌های اخلاقی موجود در ولی به نگارش در آمده‌اند. از آنجایی که ولی به عنوان فردی که از نظر اخلاقی به بالاترین مرتبه رسیده است، در نظر گرفته می‌شود، نمونه مثالی است برای جامعه. بدین ترتیب با ذکر فضائل اخلاقی ولی تحقق این فضائل در جامعه مد نظر می‌باشد. از آنجایی که این نوع مناقب نامه‌ها ماهیتی تعلیمی دارند، برای مریدان طریقتی که ولی بدان منسوب است، بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

3. مناقب نامه‌هایی که جنبه تبلیغاتی دارند. تعدادی از این مناقب نامه‌ها نوشته‌هایی هستند که حاوی هیچ گونه واقعیت تاریخی نمی‌باشند و مملو از رویدادهای خیالی نویسنده آن می‌باشند. هدف اصلی این نوع مناقب نامه‌ها، بسط و نشر طریقت ولی مورد نظر نویسنده می‌باشد. لیکن این نکته حائز اهمیت است که این وقایع و مطالب مذکور در این نوع مناقب نامه‌ها، در اثر تکرر در قرائت آن، در بین منسوبان به طریقت صورت واقعیت به خود می‌گیرند.¹⁹

متون مذهبی علویان - بکتاشیان: مناقب نامه و ولایت نامه، فرامین

سنت مذهبی علویان - بکتاشیان مبتنی است بر روایات و سنن شفاهی که سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و تا به امروز به ما رسیده است. در این میان، آثار مکتوبی نیز دیده می‌شود که در کنار سنت شفاهی، شالوده عقاید و بن‌مایه تفکر علوی - بکتاشی را متبلور می‌سازند. این متون، که معمولاً از هر یک نسخه‌های متعدد، که گاه تفاوت‌هایی نیز از نظر سبک روایت یا طرز بیان دارند، تحت عناوینی چون فرمان، ولایت نامه، ارکان نامه، مناقب، وصیت یا مقالات نامیده می‌شوند. لیکن از آنجایی که محتوای این متون در نسخ متفاوت موجود یکی می‌باشد، در نتیجه نباید این نسخ متعدد، هر یک به عنوان متنی مستقل و متفاوت از نسخه دیگر مورد بررسی قرار بگیرد.²⁰

مناقب نامه‌ها از اهمیت خاصی در میان علویان - بکتاشیان برخوردار می‌باشند. به عبارتی، این متون بعد از قرآن کریم، محوری‌ترین نقش را در میان علویان - بکتاشیان ایفا می‌کنند. به همین سبب است که علویان - بکتاشیان معتقدند که: «اگر صوفی هنگام قرائت مناقب اولیاء، یا قرائت قرآن یا در مقابل پیر، زبان به سخن گشاید، گناهی بزرگ مرتکب شده است».²¹

متون علوی - بکتاشی

فرمان امام جعفر صادق (ع)

یکی از مهم‌ترین این متون «فرمان»²² ی (Buyruk) است که در میان علویان - بکتاشیان به امام صادق (ع) منسوب است. این متن از دو بخش اصلی تشکیل شده است:

بخش تاریخ قدسی؛ که حاوی حکایات، روایات و احادیثی در ارتباط با پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) و برخی از صحابه می‌باشد، در کنار ذکر مواردی از اعداء ائمه معصوم - علیهم السلام - به عنوان تمثال شرّ، پلیدی و لعانت. شاخص‌ترین نمونه این تمثال، یزید ابن معاویه (64 - 25 ق.) است که به صورت مکرر در متن مذکور مورد لعن قرار می‌گیرد.

- بخش آموزه‌های علوی - بکتاشی؛ این بخش از متن به چگونگی آئین‌های علویان - بکتاشیان، مقامات روحانی، درجات طریقتی، اصطلاحات و مفاهیم عرفانی و صوفیانه باورهای علویان - بکتاشیان می‌پردازد. متن برای مشروعیت بخشیدن به مطالب فوق به آیات قرآن و احادیث نبوی و ائمه اثنی عشر علیهم السلام استناد می‌کند. احادیث منقول در این متن بیشتر بر حول سه شخصیت قرار گرفته اند: پیامبر اکرم (ص)، حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) و امام جعفر صادق (ع). با این حال، با توجه به کثرت نسخ متفاوت این متن، احادیثی نیز منسوب به سایر ائمه - علیهم السلام - در آن دیده می‌شود.

این متن منسوب به امام جعفر صادق (ع)، مهم‌ترین متن علویان - بکتاشیان است که به باورها، مناسک و چگونگی برگزاری مراسم آئینی ایشان می‌پردازد. با این حال این متن به هیچ وجه حاوی بحث‌های کلامی نیست.²³ ملیکوف این متن را مربوط به زمان شاه اسماعیل اول صفوی می‌داند، لیکن به این نکته نیز اذعان دارد که این متن تصویری از تمامی مراسم و آئین‌های علویان را ارائه می‌کند.²⁴

مناقب نامه، ولایت نامه - مقالات حاج بکتاش ولی

در میان علویان - بکتاشیان آناتولی پس از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام، محوری ترین شخصیت مذهبی، حاج بکتاش ولی (669 - 605 ه.ق.) است. چهره حاج بکتاش ولی در باورهای علویان - بکتاشیان چنان با افسانه و اسطوره در هم آمیخته و در هاله‌ای از تقدس مستتر شده است که ارائه تصویری تاریخی و مستند از شخصیت وی دشوار به نظر می‌رسد. بنا به سنت مذهبی علوی بکتاشی نسب وی چنین بیان شده است: حاج بکتاش ولی، ابراهیم ثانی (سید محمد)، موسی ثانی، ابراهیم مکرم‌المجاب، امام موسی کاظم (ع)²⁵ و از طریق امام هفتم نسب وی به رسول اکرم (ص) می‌رسد. «سیادت پیر» چنانچه گذشت، از ارکان لایتغیر باورهای علوی - بکتاشی می‌باشد. به همین سبب مهم‌ترین شخصیت مذهبی علویان - بکتاشیان نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد.

در سنت مذهبی علوی - بکتاشی درباره شخصیت، زندگانی، کرامات، مقام معنوی و روحانی حاج بکتاش ولی، دو اثر محوریت دارند. اثر اول مناقب نامه یا ولایت نامه حاج بکتاش ولی نامیده می‌شود. اثر مذکور مشتمل است بر مطالبی در مورد زندگانی، آداب و ارکان، کرامات و طریقت حاج بکتاش ولی که توسط مریدان وی تدوین شده است. گذشته از چاپ‌های متعدد این اثر، نسخ خطی بسیاری نیز از این اثر در میان علویان - بکتاشیان موجود است. این اثر به صورت نظم و نثر تدوین شده است. این اختلاط نظم و نثر در نسخ این اثر متفاوت می‌باشد. اثر حاضر به زبان ترکی قدیم است، ولی در متن عثمانی اثر، از نسخه فارسی این اثر سخن می‌رود،²⁶ لیکن از آنجا که این نسخه فارسی تا به امروز در دسترس نبوده است، به همین جهت نمی‌توان نظری در مورد محتوای آن ایراد کرد. «ولایت نامه حاج بکتاش ولی» یا با نام دیگرش «مناقب حاج بکتاش ولی»، در هر برهه زمانی، چه در زمان حیات وی یا بعد از وفات وی تدوین شده باشد، زندگی، هجرت وی از خراسان به آناتولی و کارهای او در سرزمین آناتولی را به صورت زنجیره‌ای از مناقب بیان می‌کند.²⁷ «مقالات حاج بکتاش ولی» از جمله آثار مهم ادبیات علوی -

بکتاشی می‌باشد. این مقالات در شکل موجود، مشتمل است بر باب‌هایی در مورد خلق انسان، بیان دسته‌های عبّاد، زهّاد، محبّان، شیطان، مقام حضرت آدم (ع)، شریعت، طریقت، معرفت، حقیقت و توحید.

گذشته از «مقالات» حاج بکتاش ولی، آثار وی عبارتند از: کتاب الفوائد، شرح بسمله، شطحیه، مقالات الغیبیه و کلمات عینیه. در کنار این آثار، نگارش دو اثر دیگر به نام‌های شرح حدیث اربعین و عقاید طریقت نیز به وی منسوب است. دیگر آثار علوی - بکتاشی در این زمینه عبارت‌اند از:

- ولایت نامه حاجیم سلطان. نام اصلی وی رجب سلطان بوده و بنا به سنت علویان - بکتاشیان از فرزندان حضرت امام علی نقی (ع) می‌باشد. بنا به مطالب مندرج در مناقب حاج بکتاش، حاجیم سلطان از خلفای حاج بکتاش ولی بوده و همراه با وی به آناتولی آمده است. از نظر یاشار اجاق، وی درویشی قلندری بوده و به احتمال قریب به یقین، انتساب وی به حاج بکتاش ولی در دوره‌های بعد صورت گرفته است.²⁸ نویسنده این اثر ظاهراً درویش برهان، از خلفای حاجیم سلطان می‌باشد.

- ولایت نامه ابدال موسی. ابدال موسی از مهم‌ترین اولیای علوی - بکتاشی محسوب می‌شود. ظاهراً در قرن هشتم هجری، در دوره اورخان غازی، دومین سلطان عثمانی می‌زیسته است. در بین متون علوی - بکتاشی این اثر از نظر حجم، کم‌حجم‌ترین اثر به حساب می‌آید. نویسنده این ولایت نامه ناشناس است.

- مناقب کایغو سوز ابدال. کایغو سوز ابدال (قرن هشتم - نهم هجری قمری) یکی از پیشگامان ادبیات مذهبی علوی - بکتاشی شمرده می‌شود. نام اصلی وی سید علاءالدین غیبی است²⁹ و از مریدان ابدال موسی می‌باشد. نویسنده این اثر نیز ناشناس است.

- ولایت نامه سید علی سلطان. سید علی سلطان (قرن هشتم - نهم هجری؟)،

متخلص به «جدی»، در میان علویان - بکتاشیان با لقب «قزل دلی» (دیوانه سرخ) نیز مشهور است. سید علی سلطان از جمله درویش - غازیانی به شمار می آید که در فتوحات اسلامی عثمانیان شرکت داشته است.

- فرمان، مقالات شیخ صفی الدین اردبیلی،³⁰ در میان مهم ترین متون اعتقادی علویان - بکتاشیان، یکی نیز بی تردید متنی است که به شیخ صفی الدین اردبیلی (735 - 650 ه.ق.) نسبت داده می شود. این متن که حاوی نکات مهم درباره اعتقادات و مناسک و آئین های علویان - بکتاشیان است «فرمان شیخ صفی اردبیلی»³¹ یا «مقالات شیخ صفی»³² نامیده می شود. این متن در میان علویان - بکتاشیان از اهمیت مذهبی بسیاری برخوردار است. نویسنده این متن نامعلوم است ولی به عقیده برخی محققان، این متن در زمان شاه طهماسب صفوی، توسط شخصی به نام بساطی به نگارش در آمده است.³³

مباحث مطرح در این اثر را می توان به چند بخش تقسیم کرد:

الف) بخش مربوط به اعتقادات، که به وضوح، بن مایه های شیعی متن را با ذکر نام ائمه اثنی عشر علیهم السلام، به نمایش می گذارد. این بخش از متن با عبارت: « هذا کتاب خطبه دوازده امام » آغاز می شود.

ب) بخش مربوط به ارکان طریقت. در این قسمت از متن، آداب و ارکان، چگونگی مراحل و مراسم طریقتی علویان با استفاده از اصطلاحات خاص ایشان، در کنار کرامات و فرمایشات حکمی منسوب به شیخ صفی الدین اردبیلی بیان می شود.

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بن مایه های اصلی متون مناقب نامه ها، ولایت نامه ها

اجاق منشاء اصلی بن مایه های محوری مناقب نامه ها و متون مذهبی علویان

بکتاشیان را در چند گروه تقسیم بندی می کند:

الف) اعتقادات پیش از اسلام ترکان: آئین هایی در ارتباط با عناصر طبیعی، باورهای

شمنی، بودائی، زرتشتی، مانوی.

ب) باورهای اسلامی: از آیات و احادیث، معجزات نبی اکرم (ص)، و کرامات منسوب به برخی از خواص صحابه.

ج) باورهایی که منشاء آنها کتاب مقدس است: معجزات و کرامات مذکور پیامبران در کتاب مقدس، که گاه با اندکی تغییر، در متون علوی - بکتاشی به اولیای ایشان نسبت داده می شود.

د) افسانه، اسطوره و سنن عامیانه: شامل روایات عامیانه پیش و بعد از اسلام در میان ترک‌ها و مردمان غیر ترک، چون میراث ایرانی، برای مثال شاهنامه فردوسی، یا میراث بومیان آناتولی.³⁴

به عقیده اُجاق، با بررسی دقیق مناقب نامه‌های تدوین شده، خواه در آناتولی خواه در سایر کشورهای اسلامی، در طی سده‌هایی که این متون به نگارش در آمده اند، بن مایه‌های موجود و مذکور در آنها از حد خاصی فراتر نرفته و در نتیجه محدود می‌باشند.³⁵ به عقیده وی انواع کرامات و خوارق عاداتی که جامی در *نفحات الأئس* خود ذکر می‌کند، از قبیل « ایجاد معدوم و اعدام موجود، اظهار امری مستور و ستر امری ظاهر، استجاب دعا، قطع مسافت بعیده در اندک مدّت، اطلاع بر امور غایبه از حس و اخبار از آن، حاضر شدن در زمان واحد در امکنه مختلفه، احیای موتی و اماته احیا، سماع کلام حیوانات و نباتات و جمادات از تسبیح و غیر آن و احضار طعام و شراب در وقت حاجت بی سببی ظاهر»³⁶ موضوعاتی هستند که در این نوع متون تکرار می‌شوند و در طی قرون متمادی، چیزی بر آنها اضافه نشده است. این برداشت در وهله اول صحیح به نظر می‌رسد. لیکن این نکته نباید فراموش شود که عمل «خارق عادت»، چه در مورد انبیاء و چه در مورد اولیاء، در هر زمان و مکانی «خارق عادت» است و این امر نمی‌تواند ارتباطی با زمان و مکان داشته باشد. برای مثال، « اظهار امری مستور و ستر امری ظاهر» حتی در عصر پیشرفته‌ای چون عصر اطلاع رسانی روزگار حاضر نیز جزو « خوارق عادات»

محسوب می‌شود، در نتیجه به نظر می‌رسد که انتظار تغییر موضوع بن مایه‌های این متون، انتظاری نابجا باشد.

نتیجه

با بررسی متون یاد شده به وضوح می‌توان دریافت که این متون، علیرغم صحت و سقم انتساب مندرجات آنها به «ولی» خاص، مهم‌ترین منبع برای بررسی تاریخ، منشاء، اصول اعتقادی، ریشه‌های مذهبی، چگونگی آئین‌ها، مراسم و مناسک دینی علویان- بکتاشیان می‌باشند. نقش محوری و کارکرد این متون در میان جامعه علویان- بکتاشیان، که مهم‌ترین اقلیت دینی ترکیه امروزی را تشکیل می‌دهند، غیر قابل انکار است. در همین راستا، انجام هرگونه بررسی و تحلیل در مورد علویان- بکتاشیان، چه از نظر تاریخی و چه از نظر باورها و اعتقادات، مراجعه به این متون و درک و فهم صحیح آنها در شرایط زمانی- مکانی تدوین آن متن می‌باشد.

نکته مهم و اساسی دیگری که با مراجعه به این متون و غور در آنها قابل مشاهده است، بن مایه‌های اسلامی- شیعی این متون می‌باشد. درحقیقت نقش حکمت شیعی، باورها و اعتقادات این مکتب فکری و مهم‌تر از همه حضور مطلق چهارده معصوم- علیهم السّلام- و لعن اعداء ایشان، که به دفعات در این متون تکرار شده، تا به امروز کمتر موضوع تحقیق و بررسی محققان قرار گرفته است. ذکر مکرر آیات قرآنی، احادیث منسوب به ائمه اثنی عشر- علیهم السّلام-، اشعار شعرای علوی- بکتاشی در نعت ایشان، همگی گواه بارزی است بر خاستگاه تاریخی- اعتقادی و نیز اسلامی- شیعی علویان- بکتاشیان.

پی‌نوشت‌ها

1. Gölpınarlı, A., 2003, *Tarih Boyunca İslam Mezhepleri ve Şiilik*, İstanbul, Dar yayınlari, s. 12.
2. Duran, H., 2007, *Velâyetnâme, Hacı Bektaş- i Veli*, Ankara, Türkiye Diyanet Vakfı, s. 10.
3. Ocak, A.Y., 2005, *Alevi ve Bektaşî İnançlarının İslâm, Öncesi Temelleri*, İstanbul, İletisim Yayınları, 5. Baskı

4. Kaplan, D., 2007, *Erkânâme*, Ankara, Türkiye Diyanet Vakfı, s. 10.
5. Amir-moezzi, M.A., Jambet, C., 2004, *Qu'est-ce que le shîisme?*, Paris, éd. Fayard, p. 75.
6. Halm, H., 1995, *Le Chiïsme*, Traduit de l'Allemand par Hubert Hougue, Paris, Presses Universitaires de France, p. 155.
7. Tschudi, R., 1986, "Bektâshiya", *The Encyclopaedia Of Islam*, New Edition, , Leiden, E. J. Brill , vol. 1 p. 1162.
8. Ergüner, A.K., Maniez, P. (tr.d.), 1984, *Le Livre des Amis de Dieu*, Paris, Le Courier du Livre, p. 7.
9. Noyan, B., *Seyit Ali Sultan Velâyetnâmesi*, Ankara, Ayyildiz Yayinlari, ss. 7-9.
10. برای آگاهی بیشتر در مورد متن این «فرمان» نگا. ولی، شهاب" نگاهی به فرمان منسوب به امام جعفر صادق (ع) "، *فصلنامه تخصصی مسکویه*، نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، زمستان 1385، شماره 5، صص 168 - 153. متن این «فرمان» و مفاهیم عرفانی آن در قالب یک طرح پژوهشی در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران توسط نگارنده در دست اجرا می باشد
11. Korkmaz, E., 1997, *Imam Cafer Buyruğu*, Istanbul, Ant Yayinlari, s. 57..
12. مناقب جمع منقبت، به معنی خصائل نیک، سجایای پسندیده. مناقب نامه‌ها صحیفی هستند مشتمل بر ذکر مناقب کسی. نگا. لغت نامه دهخدا.
13. بیاد آوردن، یاد آوردن، پند دادن، نگا. لغت نامه دهخدا
14. در مورد واژه «ولی» نگا. پازوکی، شهرام، " تذکرة الأولیاء؛ تذکره چیست؟ اولیاء کیستند؟"، *جاویدان خرد*، فصلنامه تخصصی حکمت و فلسفه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران، زمستان 1387، سال پنجم، شماره اول، دوره جدید، صفحه 11 به بعد
15. پازوکی، همان، ص. 12
16. Ocak, A.Y., 1997, *Kültür tarihi Kaynagi Olarak Menâkibnâmeler, Metodolojik bir Yaklaşım*, Ankara, Türk Tarih Kurumu, s. 31.
17. Ocak, A.Y., 2005, ss., 30-31.
18. Güzel, A., 1999, *Abdâl Mûsâ Velâyetnâmesi*, , Ankara, Türk Tarih Kurumu, , s. 57.
19. Ocak, A.Y., ss. 34-35.
20. Korkmaz, Y., 1999, *Velâyetname*, Istanbul, Can Yayinlari, 2. Basım, s. 3
21. Korkmaz, E., 1997, *Imam Cafer Buyruğu*, Istanbul, Ant Yayinlari, s.57.
22. در میان علویان - بکتاشیان «فرمان» به معنای ارکان لازم الاجراء در طریقت می باشد. نگا. Korkmaz, E., 2005, *Alevilik ve Bektaşilik terimleri sözlüğü*, istanbul, Anahtar Kitaplar, 5. Basım, s. 140.
23. Figlali, E., R., 1990, *Türkiye'de Alevilik Bektaşilik*, Ankara, Selçuk Yayinlari, s. 284.
24. Mélikoff, Irène, 2009, "Kizilbas Problemi", *Uyur Idik Uyardilar, Alevilik- Bektaşilik Arastirmalari* içinde, Istanbul, demos yayinlari, ss. 65-66.
25. Mélikoff, Irène, 2004, *Haci Bekta Efsaneden Gerçege*, Istanbul, Cumhuriyet Kitapları, 3. Basım, s. 108.
26. Duran, H., 2007, ss. 16-17.
27. Yalçın, A., 2004, *Yorum ve Açıklamalarla Makalat-i Haci Bektaş Veli*, Istanbul, Dar Yayinlari, 4. Basım, s. 15

جاویدان خرد، دوره جدید، شماره چهار، پاییز 1388

28. Ocak, 2005, s. 35-36.

29. Ocak, 2005, s. 38

30. متن کامل این «فرمان» توسط نگارنده در دست ترجمه است.

31. Yaman, M., 1994, *Erdebilli şeyh safi ve buyruğu*, Istanbul, Ufuk Matbbasi

32. Kutlu, S., Parlak, N., 2008, *Makâlât, şeyh safi ve buyruğu*, Istanbul, Horasan Yayinlari.

33. ص. 38، همان، Yaman

34. Ocak, 1997, ss. 70-74

35. همان، ص. 83

36. نور الدین عبدالرحمان جامی، 1375، *نفحات الأنس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات

دکتر محمود عابدی، تهران، انتشارات اطلاعات، ص 22.

منابع فارسی

1. پازوکی، شهرام، زمستان 1387، "تذکره الاولیاء؛ تذکره چیست؟ اولیاء کیستند؟"، جاویدان خرد، فصلنامه تخصصی حکمت و فلسفه، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران، سال پنجم، شماره اول، دوره جدید، 1387.
2. جامی، نور الدین عبدالرحمان، *نفحات الأنس من حضرات القدس*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، انتشارات اطلاعات، تهران، 1375.
3. ولی، شهاب، "نگاهی به فرمان منسوب به امام جعفر صادق (ع)"، فصلنامه تخصصی مسکویه، نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، زمستان 1385، شماره 5.

منابع ترکی استانبولی، عثمانی، فرانسه، انگلیسی

- Amir-moezzi, M.A., Jambet, 2004, C., *Qu'est-ce que le shi'isme?*, Paris, éd. Fayard
- Duran, H., 2007, *Velâyetnâme, Hacı Bektaş- i Velî*, Ankara, Türkiye Diyanet Vakfı
- Ergüner, A.K., Maniez, P. (trd.), 1984, *Le Livre des Amis de Dieu*, Paris, Le Courier du Livre
- Figlali, E., R., 1990, *Türkiye'de Alevilik Bektaşilik*, Ankara, Selçuk Yayinlari
- Gölpınarlı, A., 2003, *Tarih Boyunca İslam Mezhepleri ve Şiilik*, Istanbul, Dar Yayinlari
- Güzel, A., 1999, *Abdâl Müsâ Velâyetnâmesi*, Ankara, Türk Tarih Kurumu
- Halm, H., 1995, *Le Chiisme*, Traduit de l'Allemand par Hubert Hougue, Paris, Presses Universitaires de France
- Kaplan, D., 2007, *Erkânnâme*, Ankara, Türkiye Diyanet Vakfı
- Korkmaz, E., 2005, *Alevilik ve Bektaşilik Terimleri Sözlüğü*, istanbul, Anahtar Kitaplar, 5. Basım
- Korkmaz, E., 1997, *İmam Cafer Buyruğu*, Istanbul, Ant Yayinlari
- Korkmaz, Y., 1999, *Vilâyetname*, Istanbul, Can Yayinlari, 2. Basım
- Kutlu, S., Parlak, N., 2008, *Makâlât, Şeyh Safi ve Buyruğu*, Istanbul, Horasan

Yayınları

- Mélikoff, Irène, 2004, *Haci Bektaş Efsaneden Gerçeğe*, İstanbul, Cumhuriyet Kitapları, 3. Basım
- Mélikoff, Irène, 2009, "Kizilbas Problemi", *Uyur Idik Uyardılar, Alevilik- Bektaşilik Araştırmaları* içinde, İstanbul, demos yayınları
- Noyan, B., *Seyit Ali Sultan Velâyetnâmesi*, Ankara, Ayyıldız Yayınları
- Ocak, A.Y., 2005, *Alevi ve Bektaşî İnançlarının İslâm, Öncesi Temelleri*, İstanbul, İletişim Yayınları, 5. Baskı
- Ocak, A.Y., 1997, *Kültür tarihi Kaynağı Olarak Menâkibnâmeler, Metodolojik bir Yaklaşım*, Ankara, Türk Tarih Kurumu
- Tschudi, R., 1986, "Bektâshiya", *The Encyclopaedia Of Islam*, New Edition, Leiden, , E. J. Brill, vol. 1
- Yalçın, A., 2004, *Yorum ve Açıklamalarla Makalat-i Haci Bektaş Veli*, İstanbul, Dar Yayınları, 4. Basım
- Yaman, M., 1994, *Erdebili Şeyh Safî ve Buyruğu*, , İstanbul, Ufuk Matbbasi



شپروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی